

در باره بیانیه 9 زندانی سیاسی اوین

پیش از هر چیز باید از 9 زندانی سیاسی اوین آیشا اسداللهی، گلرخ ایرانی، رضا شهابی، آرش جوهری، کیوان مهندی، مهران رئوف، فواد فتحی، مازیار سیدنژاد و امید مصیر، به خاطر اعتراض به نسل کشی، پاکسازی قومی، آپارتاید و بربریت دولت اسرائیل در فلسطین تشکر کرد. حساسیت آن ها به این توحش ها و اعلام حمایتشان از چند میلیون انسان نفرین شده زیر بمباران مستمر و آماج تمامی اشکال بشرکشی سرمایه داری، مسلماً شایسته تقدیر است. ما به سهم خود اعتراض این مبارزین آزاده زندانی از اعماق سیاهچالها و شکنجه گاههای رعب انگیز رژیم اسلامی سرمایه داری علیه نسل کشی دهشت انگیز دولت درنده اسرائیل در فلسطین را ارج می گذاریم. بیانیه این دوستان اما حاوی نکات قابل بحثی است. نکاتی توهم پرور و گمراه کننده که باید مورد واکاوی رادیکال کارگری قرار گیرد. نویسندگان بیانیه از طاعونی به نام «هیولای بی تفاوتی» یاد می کنند، بی تفاوتی نسبت به جنایت، جنگ، پاکسازی قومی یا سایر بلیه های آوار بر سر فلسطینی ها، کردها، افغانها، بلوچ ها، نیمه بیکاران را مورد سرزنش قرار می دهند و سپس یکراست، بهت آور، جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به عنوان تجلی اراده آگاه و عمومی «مردم خاورمیانه» علیه این «هیولای بی تفاوتی» مورد تکریم قرار می دهند!! این بخش بیانیه وارونه پردازی عریان، پاشیدن خاک در چشم توده های کارگر ایران، خاورمیانه، دنیا، پمپاژ مخرب ترین توهم ها به شعور کارگران، به نفع نظام بشرکش سرمایه داری است. اولین پرسش از این دوستان آنست که مروجان، مبلغان و والهان شیدای این بی تفاوتی ها چه کسانی هستند؟ آیا شما نمی دانید و اطلاع ندارید که نه فقط منادیان مصمم، پاسداران آهنین عزم، مدافعان متعصب این بی تفاوتی ها، بلکه تمامی اردوگاهها، دولتها، شخصیت ها، احزاب، نیروها و قطب های قدرت پشتیبان هولوکاست آفرینی امروز، دیروز، 75 ساله دولت اسرائیل، علی العموم از فداکاران، جانبازان، هواداران، حامیان، استراتژها، نظریه پردازان، عاشقان و سینه چاکان همان جنبش «زن، زندگی، آزادی» هستند. همان کسانی که دو سال پیش، طغیان نسل جوان دختر و پسر طبقه کارگر ایران در یک خیزش عصیان آمیز فاقد هر گونه بار طبقاتی ضد سرمایه داری به نام «زن، زندگی، آزادی»، جنبشی جوشیده از قعر زندگی، شرائط کار، استثمار، درد، رنج توده کارگر اما سرمایه آویز و محصور در رژیم ستیزی سترون فراطبقاتی را جشن گرفتند، روئیدن و بالیدن آن را ایدآل خود دیدند، آن را نعمت الهی تلقی کردند زیرا در هیچ کجای آن هیچ ردی، نشانی از هیچ بارقه ضد سرمایه داری و طبقاتی ندیدند، از فراز کاخ سفید، تا دربارشاهی انگلیس، ورسای ناپلئون تا مقر وارث سوسیال دموکرات هیتلر، رضا و فرح پهلوی تا وراثت کیانوری و مصدق و اصلاح طلبان حکومتی یا معزول، همه، همصدا به تقدیس و تکریم آن پرداختند، عریده سر دادند که پدیده نوظهور تاریخ زندگی انسان و نوشداروی علاج کل دردهای بشر است!!، برای بیشترین بهره گیری ها از آن صف بستند، اتحاد تشکیل دادند، ائتلاف آفریدند، پیمانها بستند، همه کار را انجام دادند. جمهوری اسلامی نیز با تمامی تدبیر و چاره اندیشی کوشید تا از دیگران عقب نماند. یک جنبش عقیم، بدون خطر برای نظام سرمایه داری، وسیعاً سرمایه آویز و منحل در نسخه پیچی این یا آن بخش بورژوازی را مستمسک حاضر و مناسب برای نسل کشی ها، کورسازی ها، پر کردن زندانها، ایجاد رعب و وحشت در همه جای جهنم سرمایه داری، به عقب راندن پویه پیکار توده های کارگر، وارد کردن کوبنده ترین ضربات بر پیکر کارزار طبقاتی بردگان مزدی دید. کاری که در نهایت درایت و با موفقیت دنبال نمود، فرصت داد تا جمعیت هر چه بیشتری به آن پیوندند، همه را بشناسد، خانه های خیلی را دوربین کار گذارد. بر همه چیز تسلط یابد، در فرصت مقتضی دست به وحشیانه ترین تهاجمات زند و سهمگین ترین ضربه ها را وارد سازد. اپوزیسیونهای رقیب و شریک دست به کار تسویه حساب را با موفقیت از میدان خارج کند و سر جای خود نشاند. زن، زندگی آزادی چیزی بیش از این نبود، دقیقاً به همین

دلیل هم بخش اعظم ابوابجمعی آن جنبش، از شرکت کننده، تا استراتژ، اینک در شرائط طغیان هولوکاست پردازیهایی دولت اسرائیل علیه توده کارگر فلسطین، به وقیح ترین شکلی، یا مروج بی تفاوتی ها هستند. یا ثناگو، سکاندار سفینه حمایت و در سطح دولتها، قطبها، زرادخانه مشتعل «حق دفاع از خود اسرائیل» بخوان حق نسل کشی بدون مهار وحوش حاکم اسرائیل می باشند. واقعیتی که هر تلاش برای انکار آن مشارکت مستقیم در کور کردن چشم شعور کارگران و مهندسی فکر آن ها به نفع سرمایه است. چرا چنین است؟!، چرا حتی فداکاران، آزادیخواهان، حق طلبان، حماسه آفرینان، جسوران، شجاعان «زن، زندگی، آزادی» حاضر به سر دادن هیچ صدای اعتراض علیه نسل کشی ها، هولوکاستهای دولت اسرائیل نیستند؟ چرا درصد قابل توجهی از آنها به یاد برگزاری مراسم دعا برای پیروزی نتانیاها افتاده اند؟! چرا نفیر خشم می کشند که «کاش اسرائیل تکلیف فلسطینی ها را یکسره کند»، چرا و هزاران چرا دیگر؟!، که همگی یک پاسخ دارند. آنها در اعتراض، جنبش، خیزش خود ریشه کل بدبختی ها را در بی لیاقتی حاکمان، دیندار بودن دولت، دیکتاتوری مذهبی و مانند اینها می دیدند، همان مصیبتی که شما 9 زندانی آزاده مبارز نیز به آن مبتلا هستید! جنبش «زن، زندگی، آزادی» از این جنس بود، سرمایه و سرمایه داری را نمی دید، جمهوری اسلامی را سرمایه دولت شده نمی شناخت، از اسلام سیاسی می نالید!! و سرمایه اسلامی را نمی فهمید. به دموکراسی عشق می ورزید، اما نه دیکتاتوریهها را هزینه پرداز دموکراسی ها می دید، نه دموکراسی را یکی از الگوهای نظم سرمایه و گورستان مبارزه طبقاتی می شناخت. آرزویش آن بود که حاکمان دینی را معزول و کار را به نمایندگان غربگرا، سکولار و خیلی کاردان سرمایه داری بسپارد. شالوده بی حقوقی ها، ستمکشی ها، آپارتایدها، تبعیضات مخوف جنسیتی را در نوع مسلک و آئین می جست و لاجرم امروز تمام سیه روزیهایی 10 میلیون کارگر فلسطینی آواره در غزه، کرانه باختری، ممالک عربی یا آواره سراسر جهان را در خلافت حماس و شریعت این هیولا می بیند!! به این نیز اکتفا نمی کند، حساب 10 میلیون کارگر همزنجیرش را با اختاپوس حماس یکی می کند و مدیحه سرای درنده ترین وحوش دینی حاکم اسرائیل برای نابودی این 10 میلیون می گردد!! حاضر به کاوش این حقیقت نیست که حماس ساخته دست امریکا، اسرائیل، اردوگاه دموکراسی، موساد، سیا، شایاک، سرمایه جهانی است، تا همین دو دهه پیش وجود نداشته است. دهه های متمادی پس از شروع نسل کشی ها، هولوکاست آفرینی های متوالی اسرائیل و سرمایه داری بین المللی در این دیار پیدا گردیده است. «زن، زندگی، آزادی» توان دیدن ریشه ها را نداشت، از نظام بردگی مزدی و فرایند انکشاف حقوقی، قانونی، سیاسی، مدنی، دولتی، فرهنگی، اخلاقی، ایدئولوژیک آن چیزی نمی فهمید. مسلمانا رغبتی به این یا آن اپوزیسیون رسوای راست و چپ نداشت، از رضا پهلوی و اعوانش هم نفرت داشت، برای این حزب و آن گروه نیز تره خرد نمی نمود. از خرانه عظیم تجارب دیرپای طبقه اش اینها را آموخته بود، اما فقط در همین سطح و کماکان از ناخن پا تا فرق سر در راه حلهای سرمایه آویز غوطه می خورد. «زن، زندگی، آزادی» چنین بود، بر آن چنان رفت و فی الحال این وضع را دارد، جنبشی که با همه این اوصاف، باز هم شما 9 زندانی آن را تجلی «اراده آگاه عمومی مردم خاورمیانه»!!، بیرق افراشته اعتراض علیه هولوکاست آفرینی دولت اسرائیل!! و رهاینده نفرین شدگان دوزخ نشین فلسطین یا جاهای دیگر می خوانید!!! منظورتان از مردم خاورمیانه کیست، خواستاران جایگزینی «دولت های دینی تمامیت خواه» سرمایه داری با دولت های سکولار سرمایه، در معیت رضا پهلوی ها، سوناک ها، بایدن ها، مکرون ها، شولتزها، نوادگان شریعتمداری را می گوئید؟ یادتان نرود نتانیاها نیز از پرشورترین و غوغاسالارترین حامیان زن، زندگی، آزادی بود. توهم پراکنی ضد کارگری و سرمایه آویز حدی دارد، دوستان لطفا به نسلهای آتی طبقه خود کمی رحم کنید، اندکی آگاهی سرمایه ستیز نثار مقدم کارزارهای آتی آنان سازید. بذل آگاهی پیشکش! آتش بیار شستشوی مغزی همزنجیران در خدمت به بقای سرمایه داری نباشید. بارها گفته ایم که هزینه «زن، زندگی، آزادی» را طبقه ما پرداخت، کشتگان، مصدومان

مجروحان، زندانیان، شکنجه شدگان، معلولان از ما بوده و هستند، اما این جنبش به این دلیل که هیچ رد و نشانی از ضدیت با سرمایه نداشت، به این دلیل که به راه حلهای بورژوازی اویزان بود، رسالتش از حد کاهش فشار حجاب اجباری فراتر نرفت. در ورای این حد نقش ابزاری برای مفاصا حساب بخشهای مختلف بورژوازی اپوزیسیون و حاکم را بازی کرد. هر کارگر ایرانی یا هر کجای دیگر باید این را تعمق کند. سراسر تاریخ سرمایه داری و جنبش کارگری مشحون از این درس ها است و فراموش نکنیم که:

« هر که نامخت از گذشت روزگار – هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار»

کارگران ضد سرمایه داری

آذر 1402